



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 41

Winter 2026

Article Type: Research Article

Pages: 207-241

Conceptual Analysis of Overlap of Intellectual Property Rights

Pejman Mohammadi¹ | Hadi Tahmasebzadeh²

1. Professor, Department of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
p.mohamadi@modares.ac.ir
2. Master's Degree in Intellectual Property Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
hadi.tahmasebzadeh@modares.ac.ir

Abstract

Overlapping intellectual property rights is a new, challenging, and controversial concept. In a minimal sense, it can be considered a situation in which one subject matter of intellectual property can be protected in more than one intellectual property protection system. From this perspective, the central feature of this situation is its potentiality in the sense that it entails the ability to have multiple protections for the right holder. This research, using a descriptive and analytical method, in addition to examining the what, addresses the why, and the effects of overlapping intellectual property rights, and concludes that legal and non-legal factors are influential in the formation of this situation, but given the credibility of the intellectual property system, such a situation will not be achieved until the legislator directly intervenes. A clear example of this is the progress of new technologies, which has led to the formation of multifaceted intellectual creations that are a combination of art and industry, and therefore the ability to protect them in two formats has been provided: literary property and industrial property. But this issue has been mostly affected by the explicit prescription of the legislator regarding the exploitation of these creations in these two formats. Also, this situation has both negative and positive effects, among which the negative effects include the maximum monopoly of the right holders and the conflict of provisions of multiple protection systems for the same intellectual creation. On the other hand, its positive effects can be mentioned as providing incentives to creators and investors in the field of intellectual property due to the increase in protections, and also complementary protection in the event of the decline of the protections of a system from the beginning.

Keywords: *Overlapping, Intellectual Creation, Protection System, Exclusivity, Intellectual Rights.*

Received: 2025/09/28

Received in revised form: 2026/02/09

Accepted: 2026/02/23

Published: 2026/03/07

DOI: 10.22034/LAW.2026.69376.3541

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





تحلیل مفهومی هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

پژمان محمدی^۱ | هادی طهماسب‌زاده^۲

p.mohamadi@modares.ac.ir

hadi.tahmasebzadeh@modares.ac.ir

۱. استاد گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری از مفاهیم نوین، چالشی و اختلاف‌برانگیز است. در یک تعریف حداقلی می‌توان آن را وضعیتی دانست که به‌موجب آن یکی از موضوعات حمایتی در مالکیت فکری، قابلیت حمایت در بیش از یک نظام حمایتی مالکیت فکری را دارد. از این منظر، ویژگی محوری این وضعیت، بالقوه بودن آن است؛ به این معنا که قابلیت حمایت‌های متعدد را برای صاحب حق به‌دنبال دارد. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی علاوه بر بررسی چرایی و آثار هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که عوامل حقوقی و غیرحقوقی در شکل‌گیری این وضعیت اثرگذار هستند، اما با توجه به اعتباری بودن نظام مالکیت فکری، تا زمانی که قانون‌گذار به‌طور مستقیم مداخله نکند، چنین وضعیتی محقق نمی‌شود. نمونه بارز این امر، پیشرفت فناوری‌های نوین است که به شکل‌گیری دستاوردهای فکری چندوجهی انجامیده که تلفیقی از هنر و صنعت است؛ لذا قابلیت حمایت از آنها در دو قالب مالکیت ادبی و مالکیت صنعتی فراهم شده است. اما این مسئله بیشتر متأثر از تجویز صریح قانون‌گذار نسبت به بهره‌برداری از این دستاوردها در این دو قالب بوده است. همچنین این وضعیت آثار منفی و مثبت به‌دنبال دارد که از جمله آثار منفی می‌توان به انحصار حداکثری صاحبان حق و تعارض احکام نظام‌های حمایتی متعدد نسبت به دستاورد فکری واحد اشاره کرد. در مقابل، از آثار مثبت آن می‌توان به اعطای انگیزه به پدیدآورندگان و سرمایه‌گذاران حوزه مالکیت فکری به علت افزایش حمایت‌ها و همچنین حمایت مکمل در فرض زوال حمایت‌های یک نظام از ابتدا نام برد.

واژگان کلیدی: انحصار، حقوق فکری، دستاورد فکری، نظام حمایتی، هم‌پوشانی.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

DOI: 10.22034/LAW.2026.69376.3541



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

از نظام‌های حمایتی مالکیت فکری، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی با معیارهای مختلف ارائه شده است. مالکیت فکری در قرن نوزدهم در تقابل بین هنرمند و صنعتگر، هنر و صنعت، و مالکیت ادبی - هنری و مالکیت صنعتی شکل گرفت؛^۱ به‌طوری که قدیمی‌ترین کنوانسیون‌های مالکیت فکری یعنی کنوانسیون برن و پاریس به این دسته‌بندی اشاره دارند و بر این مبنا شکل گرفته‌اند. در قرن‌های هجدهم، نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، حقوق مالکیت فکری به حقوق مؤلف، حق اختراع و علامت تجاری تقسیم می‌شد و هریک از آنها مرزهای جداگانه‌ای داشتند؛ در نتیجه، هم‌پوشانی آنها بسیار نادر بود.^۲ به‌تدریج قدیمی‌ترین مصداق هم‌پوشانی با طرح نظریه وحدت هنر در فرانسه، یعنی هم‌پوشانی حقوق مؤلف و طرح صنعتی شکل گرفت. بر اساس نظریه وحدت هنر، همه هنرها یکی انگاشته می‌شوند و در زمینه نوع حمایت حقوق مؤلف، بین آثار هنری محض که کاربرد صنعتی ندارند و آثار هنری کاربردی و فنی که برای بهره‌برداری تجاری تولید شده‌اند، نباید تفاوت قائل شد.^۳ در نتیجه، اکثر موضوعات نظام طرح‌های صنعتی (آثار کاربردی)، قابلیت حمایت در نظام حقوق مؤلف را دارا هستند. پس از آن، با پیشرفت فناوری‌های نوین و شکل‌گیری دستاوردهای فکری چندوجهی که تلفیقی از اثر ادبی - هنری و صنعت بودند، مانند نرم‌افزارها و علائم تجاری نوین، مرز میان مالکیت ادبی - هنری و مالکیت صنعتی مخدوش شد. از این رو، امروزه شاهد هم‌پوشانی نظام‌های حمایتی مالکیت فکری هستیم. افزون بر این، در درون نظام‌های حمایتی دو شاخه بزرگ مالکیت فکری نیز شباهت‌های زیادی مشاهده می‌شود. این پیچیدگی مفهومی و مرزبندی نامشخص صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه چالشی ملموس برای نظام‌های قضایی ایجاد کرده است. برای مثال در ایران در پرونده‌ای که در سال ۱۳۹۸، یعنی در زمان حکومت قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ (منسوخ) مطرح شد،^۴ شاکی اظهار کرده بود که مشتکی‌عنه با سوءاستفاده از لفاف و علامت تجاری

1. Sylvain Chatry, *Le Concours de Droits de Propriété Intellectuelle - Essai D'une Théorie Générale*, Université de Nantes, 2011.

2. Estelle Derclaye & Matthias Leistner, *Intellectual Property Overlaps* (United Kingdom: Hart Publishing Ltd, First Edition, 2011), p. 1.

۳. سیدحسن میرحسینی، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، ج ۲، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۳۹۱)، ص ۲۹۹.

۴. دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۸۴ صادره از شعبه دوم دادیاری دادسرای ناحیه ۱۹ سابق تهران (ناحیه ۲۶ فعلی).

ثبت‌شده وی اقدام به تولید و عرضه محصولات در لفافی شبیه به لفاف شرکت شاکی کرده است و با توجه به تولید محصولات نامرغوب باعث آسیب به شهرت محصولات تولیدی شرکت شاکی شده است. مشتکی‌عنه در مقام دفاع اظهار کرد که اینجانب خود دارای گواهینامه طرح صنعتی برای آن لفاف هستم و تاریخ ثبت اینجانب مقدم بر تاریخ ثبت شاکی بوده است. در نهایت، دادسرا قرار منع تعقیب صادر کرد.^۵ این مسئله قانون‌گذار را وادار کرد که در قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ به این مسئله بپردازد. به موجب بند ۵ ماده ۸۳ این قانون، طرح‌هایی که عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای حاوی یا شبیه علامت تجاری ثبت‌شده دیگری باشند، از حیطة حمایت خارج‌اند. براساس بند ۱۱ ماده ۹۶ این قانون نیز علامتی که عین طرح صنعتی ثبت‌شده دیگری برای همان کالاها یا خدمات باشد، قابل ثبت نیست.

در حقوق خارجی نیز برای مثال می‌توان به پرونده *Mazer v. Stein* که از قدیمی‌ترین آرای قضایی در این حوزه است، اشاره کرد. در این پرونده، خواهان پدیدآورنده یک مجسمه بود و خوانده از این مجسمه‌ها برای تولید پایه‌های زینتی لامپ استفاده کرده بود. خواهان مدعی شده بود که این استفاده خوانده، مصداق نقض حق مؤلف خودش بوده است. اما، خوانده در مقام دفاع اظهار کرده بود استفاده از اثر هنری خواهان که یک اثر هنری محض است، برای تولید لامپ که یک کالای کاربردی است، خارج از قلمرو نظام حمایتی کپی‌رایت است و بنابراین، نقض حق محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، پدیدآورنده اثر هنری محض، فقط در امور هنری و فرهنگی حق انحصاری دارد نه امور صنعتی و تجاری! دادگاه در رأی نهایی بر این باور بود که آثار هنری حتی اگر به عنوان بخشی از یک محصول کاربردی استفاده شوند، همچنان مشمول کپی‌رایت هستند و خوانده مرتکب نقض کپی‌رایت شده است.^۶

علاوه بر آنچه در خصوص مواد ۸۳ و ۹۶ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ گفته شد، موارد دیگری نیز در نظام حقوقی ایران در باب هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری وجود دارد؛ از جمله این قوانین می‌توان به شرح آتی اشاره کرد:

۵. میرقاسم جعفرزاده و حسن لجم‌اورک، «تحلیل نظری حق بر علامت تجاری: حق انحصاری مطلق یا مقید؟» حقوق خصوصی، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۳۴۲.

6. Evan Weidner, "A Little Overlap Never Hurt Anyone: Overlapping IP Rights and Orcle Am., Inc. v. Google LLC", *The Business, Entrepreneurship & Tax Law Review*, (2020), p. 218.

۱- ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، تعریف موسی از «اثر»، به عنوان موضوع حمایت در نظام حقوق مؤلف، ارائه کرده است که موجب می‌شود بسیاری از موضوعات نظام مالکیت صنعتی نیز در این تعریف بگنجد. به موجب این ماده، به آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار پدیدآورندگان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته است، «اثر» اطلاق می‌شود. بدیهی است که اختراعات، مدل‌های مصرفی و طرح‌های صنعتی نیز از راه دانش و هنر ابتکاری پدید آمده، نمود بیرونی دارند. بنابراین، تعریف پیش گفته در ماده ۱ اگرچه جامع است و شامل حال تمام آثار ادبی- هنری می‌شود، اما مانع نیست؛ زیرا که شامل حال مصادیق حقوق مالکیت صنعتی نیز می‌گردد.^۷

۲- بسیاری از آثار یادشده در ماده ۲ قانون نام‌برده، شباهت بسیاری به موضوعات نظام مالکیت صنعتی دارند؛ همچون نوشته فنی (بند ۱)، طرح (بندهای ۵ و ۷)، اثر ابتکاری مربوط به هنرهای صنعتی (بند ۹)، و اثر فنی که جنبه ابداع یا ابتکار داشته باشد (بند ۱۱). این امر باعث شده است که برخی حقوق‌دانان از این شیوه قانون‌نویسی انتقاد کنند.^۸

۳- به موجب ماده ۴ قانون ساماندهی مد و لباس: «طرح‌ها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی- اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهد بود». این قانون در سال ۱۳۸۵ به تصویب رسید و نظام مالکیت صنعتی در آن زمان مطابق با قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ و قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال ۱۳۸۲ بود. از میان این سه نظام حمایتی (علامت تجاری، حق اختراع، ارقام گیاهی)، علامت تجاری مناسب‌ترین نظام حمایت از ظاهر یک لباس بود. بنابراین، در سال ۱۳۸۵ طرح‌های مد و لباس قابلیت حمایت در نظام حقوق مؤلف و علامت تجاری را داشتند. اما یک سال بعد با تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، نظام طرح صنعتی برای اولین بار وارد نظام حقوقی کشورمان شد که از نظام علائم تجاری، برای حمایت از طرح‌های مد و لباس مناسب‌تر است. لذا هم‌پوشانی سه‌گانه‌ای در حوزه

۷. اسدالله امامی، حقوق مالکیت معنوی، ج ۱، (تهران: میزان، ۵، ۱۴۰۱)، ص ۹۱.

۸. سیدحسین صفایی، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۱۳۵۰)، ص ۴۸.

طرح‌های مد و لباس طبق سه نظام حمایتی حقوق مؤلف، علامت تجاری و طرح‌های صنعتی دیده می‌شود.

۴- ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ حقوقی برای پدیدآورنده نرم‌افزار شناسایی کرده است که همان حقوق ناشی از نظام حقوق مؤلف (کپی‌رایت) است. در ماده ۲ این قانون نیز حمایت از نرم‌افزار را طبق نظام حق اختراع تحت شرایطی پذیرفته است. همچنین، طبق تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ این قانون «استفاده از حقوق مندرج در قانون ثبت علائم و اختراعات مانع از برخورداری پدیدآورنده نرم‌افزار از حقوق موضوع قانون و مقررات این آیین‌نامه نخواهد بود».

۵- طبق ماده ۷۹ قانون حمایت از مالکیت صنعتی «متقاضی ثبت اختراع در زمان بررسی تقاضای ثبت اختراع می‌تواند درخواست ثبت خود را به‌عنوان نمونه شیء مصرفی تغییر دهد. همچنین در صورتی که تقاضای ثبت اختراع به‌صورت کلی یا جزئی رد شود، متقاضی می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ تصمیم مرجع ثبت، تقاضای خود را مبنی بر ثبت به‌عنوان نمونه شیء مصرفی به مرجع ثبت تسلیم کند. در این صورت، زمان حمایت از اظهارنامه نمونه شیء مصرفی، همان زمان تسلیم اظهارنامه اولیه می‌باشد». از این ماده قانونی مشخص است که نوآوری‌ها بعضاً حائز شرایط برای حمایت در دو نظام حمایتی هستند.

۶- موضوعات حمایت در نظام اسرار تجاری به‌قدری عام و کلی است که منحصر به موضوعات مرسوم در نظام مالکیت فکری نیست.^۹ از این رو، بسیاری از حقوق‌دانان اسرار تجاری را یک نظام مکمل نظام مالکیت فکری می‌دانند، نه مصداقی از آن.^{۱۰} در هر حال، بسیاری از موضوعاتی که در نظام مالکیت فکری حمایت می‌شوند، با داشتن شرایط اسرار تجاری می‌توانند در این نظام حمایت شوند. ماده ۱۲۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی به برخی از این موضوعات اشاره کرده است از جمله نرم‌افزارها، اختراعات و طرح‌های صنعتی ثبت‌نشده.

در حقوق خارجی نیز صرفاً برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۹. مانند لیست سری مشتریان یک بنگاه اقتصادی که هیچ ربطی به نظام مالکیت فکری ندارد.

۱۰. مریم شیخی، اصول حقوق مالکیت فکری، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۴۰۳)، ص ۵۲۴.

۱- نظام حقوقی نوشته (رومی - ژرمنی). مطابق ماده 2-513 L کد مالکیت فکری فرانسه: «ثبت یک طرح یا مدل به دارنده آن حق مالکیتی اعطا می‌کند که امکان واگذاری یا اعطای مجوز راجع به آنها را فراهم می‌نماید، بدون آنکه به حقوق ناشی از اعمال سایر مقررات، به‌ویژه کتاب نخست (حقوق مؤلف) و سوم این قانون لطمه‌ای وارد نماید». این مسئله همان وحدت هنر است که پیش‌تر اشاره شد؛ یعنی طرح‌های صنعتی مشمول حقوق مؤلف هستند و ثبت آنها در قالب نظام طرح صنعتی نافی حمایت‌های حقوق مؤلف نیست. ماده ۳ قانون حقوق مؤلف اسپانیا نیز به همین مفهوم اشاره کرده است.

۲- نظام کامن‌لا. برخلاف فرانسه، انگلستان به تفکیک حوزه‌های حمایتی اشاره می‌کند؛ مثلاً در ماده ۵۱ قانون کپی‌رایت، طرح‌های صنعتی و اختراعات ۱۹۸۸ گفته شده که استفاده از اثر دوبعدی دیگران برای خلق طرح صنعتی سه‌بعدی، نقض کپی‌رایت نیست. از این ماده استنباط می‌شود که کپی‌رایت شامل آثار سه‌بعدی کاربردی نمی‌شود؛ چراکه اگر شامل می‌شد، استفاده از آثار دیگران برای خلق آنها نقض محسوب می‌شد. در ماده ۵۲ نیز اذعان شده بود که اگر اثر هنری در قالب طرح صنعتی بهره‌برداری شود، مدت حمایت از آن ۲۵ سال خواهد بود که کمتر از حالت معمول حمایت کپی‌رایت است. اما این ماده اکنون نسخ شده است. در نتیجه، انگلستان به جدایی نظام‌های حمایتی اشاره کرده است. در آمریکا قوانین زیادی در حوزه هم‌پوشانی مالکیت فکری وجود ندارد، اما آرای قضایی زیادی در این زمینه مشاهده می‌شود که برای نمونه به یکی از معروف‌ترین‌ها اشاره می‌کنیم: *Oracle America, Inc. v. Google LLC*. شرکت اوراکل ادعا کرد که شرکت گوگل برای ساخت سیستم عامل اندروید رابط‌های برنامه‌نویسی جاوا را (که خود مالک بود) کپی کرده است و بر این اساس، هم‌زمان ادعای نقض کپی‌رایت و حق اختراع کرده بود. لذا به باور این شرکت، برنامه‌ها می‌توانند موضوع حمایت در دو نظام حمایتی باشند. اما در تجدیدنظر صرفاً ادعای نقض کپی‌رایت کرد و رأی نهایی دیوان عالی آمریکا به این صورت بود که عمل شرکت گوگل مصداق استفاده منصفانه است.^{۱۱}

در اسناد بین‌المللی نیز برای اولین بار در کنوانسیون پاریس (نسخه بروکسل ۱۹۰۰) به ضرورت حمایت از طرح صنعتی پرداخته شد و تا آخرین بازنگری در سال ۱۹۷۹ این ضرورت

11. Evan Weidner, *Ibid*, p. 214.

حمایتی وجود داشت. در کنوانسیون برن ۱۹۷۱ نیز در بند ۷ ماده ۲ آثار هنرهای کاربردی و طرح‌های صنعتی به‌عنوان یکی از موضوعات حمایتی نظام حقوق مؤلف شناسایی شده است. این مسئله باعث شد که کشورها در زمینه حمایت از طرح‌های صنعتی از قالب‌های مختلفی استفاده کنند و در نهایت ماده ۲۵ موافقت‌نامه تریپس تصریح کرد که کشورها می‌توانند از طرح صنعتی در قالب نظام خاص طرح صنعتی یا نظام کپی‌رایت حمایت نمایند.

شایان توجه است که اسناد اروپایی بیش از اسناد بین‌المللی به مصادیق هم‌پوشانی توجه نشان داده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱- مصوبه شماره ۲۰۰۲/۶ شورای اتحادیه اروپا موسوم به مصوبه طرح‌های اتحادیه^{۱۲}، دو نظام حمایتی را برای حمایت از طرح‌ها پیش‌بینی کرده است: نظام طرح‌های ثبت‌نشده و طرح‌های ثبت‌شده. مطابق نظام اول، طرح صنعتی از لحظه افشای عمومی در اتحادیه اروپا مورد حمایت است و مطابق نظام دوم، طرح صنعتی از لحظه ثبت حمایت می‌شود. طرح صنعتی ثبت‌نشده می‌تواند ظرف دوازده ماه از لحظه افشای عمومی به ثبت برسد و نظام حمایتی خود را تغییر دهد. نهایتاً در بند ۲ ماده ۹۶ نیز مقرر شده بود که کشورهای عضو می‌توانند در کنار حمایت‌های مقرر در این مصوبه، در قالب نظام کپی‌رایت داخلی خود نیز از طرح‌ها حمایت کنند.

۲- دستورالعمل ۲۰۰۹ حمایت قانونی از برنامه‌های کامپیوتری اتحادیه اروپا^{۱۳} در بند ۱ ماده ۱ می‌گوید که کشورهای عضو باید برنامه‌های کامپیوتری را به‌موجب کپی‌رایت (حقوق مؤلف) به عنوان آثار ادبی یادشده در کنوانسیون برن حمایت کنند. ماده ۸ نیز تصریح می‌کند که مقررات این دستورالعمل به سایر مقررات قانونی از جمله حقوق اختراعات خللی وارد نخواهد کرد. از این رو، این سند اروپایی نیز هم‌پوشانی کپی‌رایت و حق اختراع در نرم‌افزارها را مد نظر قرار داده است.

۳- از بند ۲ ماده ۶۰ مقررات ۲۰۱۷ علائم تجاری اتحادیه اروپا^{۱۴} چنین استنباط می‌شود که اگر علامت تجاری عین طرح صنعتی متعلق به دیگری باشد، صاحب طرح می‌تواند به استناد

12. Council Regulation (EC) No 6/2002 of 12 December 2001 on Community Designs

13. Directive 2009/24/EC of the European Parliament and of the Council of 23 April 2009 on the Legal Protection of Computer Programs

14. Regulation (EU) 2017/1001 of the European Parliament and of the Council of 14 June 2017 on the European Union trade Mark



حقوق مقدم خود، گواهی‌نامه علامت تجاری را در دادگاه ابطال کند. متناظر همین ماده، در مصوبه طرح‌های اتحادیه آمده است. طبق بند ۱ ماده ۲۵، صاحب علامت تجاری مقدم می‌تواند گواهی‌نامه طرح صنعتی مؤخر را ابطال نماید.^{۱۵}

بنابراین، هم‌پوشانی در معنای حداقلی خود، به تلاقی نظام‌های حمایتی در موضوع حمایت مشترک یا امکان حمایت از موضوع واحد در قالب‌های متعدد مالکیت فکری اشاره دارد. این وضعیت به بروز نتایجی همچون اجتماع حقوق فکری متعدد بر دستاورد فکری واحد، افزایش انگیزه خلق و سرمایه‌گذاری در حوزه مالکیت فکری، حمایت‌های مکمل و مضاعف، تعارض احکام و انحصار حداکثری می‌انجامد.

از حیث ادبیات و پیشینه پژوهش، باوجود تلاش‌های ارزشمند پیشین، غالب این مطالعات یا به بررسی مصادیق خاص محدود شده‌اند (مانند نرم‌افزار یا طرح‌های صنعتی) یا فاقد چارچوب مفهومی جامعی برای تعریف و تفکیک انواع و احکام این پدیده هستند^{۱۶} و یا صرفاً اشاره‌ای داشته‌اند که در زمینه حقوق مالکیت فکری به‌طور استثنایی هم‌پوشانی رخ می‌دهد، بی‌آنکه موضوع اصلی پژوهش بررسی این مفهوم باشد.^{۱۷} این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای اولیه (قوانین و آرای داخلی و خارجی) و ثانویه (دکترین)، در پی پرکردن این خلأ است. سؤال اصلی مقاله این است: چارچوب مفهومی جامع برای فهم ابعاد، علل و پیامدهای هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری چگونه است؟ هدف، ارائه نظام‌مند همین چارچوب

15. Nuno de Araújo Sousa e Silva, *The Ownership Problems of Overlaps in European Intellectual Property*, (Nomos, First Edition, 2013), p. 45.

۱۶. برای مثال می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

مهدی افغان، بررسی نظام‌های حقوقی حمایت از طرح‌های صنعتی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم*، استاد راهنما: محمد هادی میرشمسی (۱۳۹۲).

زهره شاکری و سهیلا نورعلی، «نهاد لباس تجاری؛ نگاهی دوباره به نظام علائم تجاری»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۲ (۱۳۹۷).

۱۷. برای مثال، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

سید کامران باقری و همکاران، «حفاظت از اختراعات نرم‌افزاری در ایران» *سیاست علم و فناوری*، ش ۲ (۱۳۸۹)، ص ۲۳.

سید حسن شبیری زنجانی و سید احمد دهقانی، «مطالعه تطبیقی شرط منحصر به فرد بودن در طرح‌های صنعتی و مقایسه آن با شرط اصالت»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ش ۲ (۱۳۹۴)، ص ۹۲.

نسرین طباطبایی حساری، «نقش «ثبت» در فرایند انتقال حقوق مالکیت صنعتی: تحلیل سیستم‌های ثبت انتقال حقوق مالکیت صنعتی در دنیا»، *مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۲ (۱۳۹۶)، ص ۲۹۰.

مفهومی است که با تفکیک دقیق مفاهیم مشابه، ارکان، ویژگی‌ها، علل و حالات مختلف هم‌پوشانی، پایه‌ای ضروری برای هرگونه تحلیل عملی و سیاست‌گذاری در این حوزه را فراهم آورد؛ چراکه بدیهی است پرداختن به بحث راهکارهای عملی برون‌رفت از چالش‌های هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری، فرع بر شناخت مفاهیم نظری هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری است.

۱. تعریف هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری از مفاهیم نوین و مورد اختلاف است که تعریف متفق‌القولی پیرامون آن وجود ندارد. حالات و مصادیق متعدد هم‌پوشانی موجب می‌شود تا برخی از آنها طبق یک تعریف، مصداقی از هم‌پوشانی تلقی شوند؛ حال آنکه مطابق تعریف دیگر، صرفاً مفهومی مشابه هم‌پوشانی هستند. طبق موسع‌ترین تعریف ارائه‌شده، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری هرگونه «مشابهت» میان نسخه‌های مادی و قابل‌رؤیت دستاوردهای فکری است.^{۱۸} از این منظر، یک عبارت یا واژه که می‌تواند تحت نظام علائم تجاری، نام تجاری، نام دامنه و حقوق مؤلف حمایت شود، صرف‌نظر از مبانی و کارکرد متفاوت هریک از نظام‌ها، مصداقی از هم‌پوشانی است. اما مطابق یک تعریف مضیق، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری وضعیتی است که به‌موجب آن، دستاورد فکری واحدی قابلیت حمایت در چند نظام حمایتی با کارکرد یکسانی را دارد.^{۱۹} از نگاهی دیگر، نظام‌های حمایتی مالکیت فکری در دستاورد فکری واحد یا مشترکی تلاقی پیدا می‌کنند. مصداق بارز این وضعیت را می‌توان در هم‌پوشانی حقوق مؤلف و نظام طرح صنعتی در طرح‌های زینتی مشاهده کرد که در هر دو نظام با هدف زیبایی‌شناسی حمایت می‌شوند. بدیهی است که هرچقدر تعریف مضیق‌تر باشد، مصادیق کمتری را شامل می‌شود و احتمال اینکه این مصادیق مورد اختلاف نظر واقع شوند، کمتر خواهد بود و حل چالش‌ها ساده‌تر خواهد شد. لذا، تعریف مورد اتخاذ ما در این پژوهش نیز تعریف مضیق است.

18. Neil Wilkof & Shamnad Basheer, *Overlapping Intellectual Property Rights*, (United Kingdom, Oxford University, first edition, 2012), p. Iviii.

19. Baris Antonios, *Nature and Extent of Overlapping Copyright, Trademark, and Industrial Design Protection*, International Hellenic University, 2022.

۲. ارکان و عناصر تحقق هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

از تعریف پیش‌گفته مشخص می‌شود که برای تحقق هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری، وجود دو شرط به صورت هم‌زمان لازم است: واحد بودن دستاورد فکری و وجود دست‌کم دو نظام حمایتی متفاوت. اما پیش از توضیح این دو رکن، ضروری است تفکیکی میان «موضوع حمایت»^{۲۰} و «شرایط حمایت»^{۲۱} که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده دستاورد فکری و نظام حمایتی هستند، ارائه کنیم.

«دستاورد فکری»^{۲۲} عنوانی عام است که اشاره به موضوع حمایت در نظام مالکیت فکری دارد. باید دانست که برخی نظام‌های حمایتی گستره موضوعی وسیعی دارند و امکان ارائه تعریفی جامع از موضوع حمایت آنها امکان‌پذیر نیست. لذا قانون‌گذار صرفاً به ذکر شرایط حمایت پرداخته و یا موضوع حمایت را براساس شرایط حمایت تعریف کرده است. برای مثال، در بحث حقوق مؤلف، موضوع حمایت براساس شرایط حمایت تعریف شده است. طبق ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸: «... به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان (پدیدآورندگان) پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته است «اثر» اطلاق می‌شود». بنابراین، «اثر» که موضوع حمایت حقوق مؤلف است، بر اساس شرایط آن (اصالت و بیان) تعریف شده است. اما در بحث حق اختراع، این دو از هم تفکیک شده‌اند. موضوع حمایت در ماده اول و شرایط حمایت در ماده ۱۲ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ آمده است. طبق ماده ۱: «اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که راه حل عملی جدیدی را برای مشکل فنی مشخص در زمینه صنعت ارائه می‌نماید...». طبق ماده ۱۲ نیز «شرایط اختراع عبارت است از: ۱- جدید بودن... ۲- دارا بودن گام ابتکاری... ۳- دارا بودن کاربرد صنعتی...».

وجود شرایط حمایتی موجب می‌شود تا مفهوم عرفی دستاوردهای فکری به مفهوم حقوقی آن تبدیل شود. به همین دلیل، تمام نظام‌های حمایتی مالکیت فکری، شرایط حمایت را دارا

20. Subject Matter

21. Protection Requirements

22. Intellectual Creation

هستند؛ هرچند ممکن است موضوع حمایت به وضوح تعیین نشده باشد. اما برای تحقق همپوشانی، موضوع حمایت مشترک از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این حال، شرایط حمایتی نیز در موارد همپوشانی، به یکدیگر نزدیک شده‌اند. برای مثال، حقوق مؤلف و حق اختراع در نرم‌افزارهای رایانه‌ای همپوشانی دارند. اگرچه به طور سنتی مهم‌ترین شرط حمایت در حقوق مؤلف «اصالت» و در حق اختراع «جدید بودن» است، اما برای سنجش اصالت نرم‌افزار نیز خصیصه‌های نوعی را لحاظ می‌کنند. از این جهت، اصالت نرم‌افزار مفهومی مشابه جدید بودن است.

۱.۲. واحد بودن. مقصود از واحد بودن دستاورد فکری، «موضوع حمایت» مشترک دو یا چند نظام حمایتی است. برای مثال، حقوق مؤلف و ارقام گیاهی، هیچ اشتراک موضوعی ندارند؛ در نتیجه، دستاورد فکری واحدی میان آنها رخ نمی‌دهد و همپوشانی آنها منتفی است. اما حقوق مؤلف و طرح‌های صنعتی، موضوعات مشترکی با یکدیگر از جمله طرح‌های زینتی دارند. بنابراین، طرح زینتی، دستاورد فکری مشترکی برای این دو نظام است. همچنین باید به یکسان بودن کارکرد این نظام‌ها توجه کنیم؛ برای مثال، یک صدا یا تصویر می‌تواند در یک کشور مورد حمایت حقوق مؤلف و علامت تجاری باشد، اما کارکرد آنها در این دو نظام متفاوت با یکدیگر است. از صدا و تصویر در حقوق مؤلف به علت خلاقیت آن و در نظام علامت تجاری به علت تمایزبخشی آن حمایت می‌شود. در نهایت برای تحقق دستاورد فکری واحد باید به تشابه ظاهری دو دستاورد خاص توجه کنیم. برای مثال، اگر یک طرح صنعتی هیچ تشابه ظاهری به آثار هنری پیشین نداشته باشد، دستاورد فکری واحد در آن مصداق خاص محقق نخواهد شد.

۲.۲. نظام‌های حمایتی متعدد. تعریف نظام حمایتی خود چالشی اساسی محسوب می‌شود. آنچه مسلم می‌نماید این است که استقرار هر نظام حمایتی مستلزم مداخله و تصریح قانون‌گذار است و برای شناخت آن ناگزیر باید به متون قانونی مراجعه نمود. در این میان، برخی نظام‌های حمایتی از دیرباز شکل گرفته و مورد پذیرش همگانی بوده‌اند که مهم‌ترین آنها، شامل حقوق مؤلف، حق اختراع و علائم تجاری می‌شود. از نظر برخی اندیشمندان، این سه دسته، شاخه‌های اصلی حقوق مالکیت فکری هستند و سایر نظام‌ها برگرفته از این سه دسته بوده، می‌توانند

زیرمجموعه آنها قرار گیرند؛ از این رو، به آن شاخه‌ها، «حقوق پیوسته»^{۲۳} گفته‌اند.^{۲۴} بررسی این نظام‌های حمایتی نشان می‌دهد که در اهداف کلان اشتراک دارند؛ اعطای حقوق انحصاری به پدیدآورندگان یا سرمایه‌گذاران دستاوردهای فکری و مقابله با ناقضان این حقوق از طریق ضمانت‌های اجرای حقوقی و کیفری. لازم به ذکر است، مقصود از نظام‌های حمایتی در اینجا نظام‌های حمایتی مالکیت فکری است، نه سازوکارهایی که در سایر شاخه‌های حقوقی وجود دارد، مانند حقوق قراردادهای یا حقوق مسئولیت مدنی. نظام قراردادی یا مسئولیت مدنی زمانی قابلیت اجرا دارد که با یک مال فکری مواجه باشیم. زمانی که دستاورد فکری در کشوری مورد حمایت نیست، اساساً مالی وجود ندارد تا بتواند موضوع قرارداد، واقع شود یا بتوان خسارت یا جبران خسارتی برای آن متصور شد. تنها به شیوه‌ای می‌توان از نظام‌های غیرفکری در این فروض بهره برد که به ایجاد انحصار یا حمایت از دستاورد فکری مانند نظام مالکیت فکری منجر نشود و به گونه دیگری عمل کند. مثلاً ممکن است نظام حقوق مؤلف کشوری از انتساب ناروا حمایت نکند؛ در نتیجه نمی‌توان در صورت انتساب ناروا، مدعی نقض حق شد. اما می‌توان در سایر قالب‌های حمایتی مانند حقوق کیفری (مثلاً جرم نشر اکاذیب) به حمایت روی آورد. این شیوه حمایت ارتباط مستقیمی با مالکیت فکری ندارد؛ بنابراین توسل به آن در فرضی که مالکیت فکری حمایت نمی‌کند بلامانع است. به باور برخی، اگر تولیدکننده از حمایت‌های نظام مالکیت فکری برخوردار نباشد، صرفاً می‌تواند طبق نظام عام مسئولیت مدنی مطالبه خسارت نماید، ولی این نظام عام هیچ حق انحصاری برای او ایجاد نمی‌کند.^{۲۵} اما هنگامی که نظام حمایتی خاصی وجود دارد یا دستاورد فکری خاصی مورد حمایت باشد، می‌توان از نظام‌های قراردادی یا مسئولیت مدنی و کیفری بهره برد، زیرا که از جمله سازوکارهای اساسی نظام مالکیت فکری، قراردادهای مرتبط با آن و نظام مسئولیت مدنی حاکم بر آن است. به عبارت دیگر، این نهادها جزئی جدایی‌ناپذیر از نظام مالکیت فکری محسوب شده، در چارچوب آن تعریف می‌شوند. قراردادهای این حوزه در زمره عقود معین مالکیت فکری قرار دارند، همان‌گونه که مسئولیت‌های مدنی و کیفری موجود نیز ناظر به نقض حقوق مالکیت فکری هستند.

23. Allied Rights

24. William Cornish, David Llewelyn, Tanya Aplin, *Intellectual Property Patents, Copyright, Trademarks and Allied Rights*, (London: Sweet & Maxwell, 8th Edition, 2013).

۲۵. زهرا شاکری و سهیلا نورعلی، *نظام حقوقی علائم تجاری نوین*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰)، ص ۲۳۳.

در هر حال، نظام‌های حمایتی مالکیت فکری باید متفاوت با یکدیگر باشند تا هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری محقق شود. نظام‌های حمایتی متفاوت، به نظام‌هایی اشاره دارد که از حیث ماهیت حقوقی با یکدیگر تفاوت اساسی دارند، نه اینکه صرفاً دو نظام هم‌جنس‌اند که نسبت به یک دستاورد فکری اعمال می‌شوند. اگر در قوانین متعددی حمایت‌های گوناگونی از یک دستاورد فکری به عمل آمده باشد، اما نظام حمایتی در هر دو قانون، نظام واحدی مانند حقوق مؤلف باشد، هم‌پوشانی موردنظر در این پژوهش رخ نمی‌دهد. برای مثال، در حقوق ایران، در بحث حمایت از «ترجمه» با دو قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ مواجه هستیم؛ منتها، نظام حمایتی هر دو حقوق مؤلف است. در نتیجه در این فرض، صرفاً تعدد قوانین حمایتی موجود است و هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری رخ نمی‌دهد.

برخی نظام‌های حمایتی به دلیل تشابه نسبی با دیگر نظام‌ها، در برخی کشورها به صورت مستقل پیش‌بینی نشده‌اند، مانند لباس تجاری^{۲۶} در خصوص علائم تجاری، طرح‌های صنعتی در خصوص حقوق مؤلف، و نشانه‌های جغرافیایی در خصوص علائم جمعی. همین مسئله نشان‌دهنده هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری در نظام‌های حمایتی است. اما در مورد هم‌پوشانی این نظام‌ها در دستاورد فکری واحد، در کشورهایی که برای برخی موضوعات (مثل طرح‌های صنعتی) حمایت خاص و مستقل در نظر گرفته نشده و فقط تحت حمایت عام نظام دیگری (مانند حقوق مؤلف) قرار می‌گیرند، هم‌پوشانی محقق نمی‌شود. بنابراین، تحقق هم‌پوشانی منوط به وجود حداقل دو نظام حمایتی مستقل و متفاوت در یک کشور است که بتوانند نسبت به یک موضوع واحد اعمال شوند.

در خاتمه باید به دو رویکرد اساسی مطالعه این حوزه اشاره کرد: رویکرد نظام‌محور و موضوع‌محور. در رویکرد نخست، پژوهش با تحلیل نظام‌های حمایتی آغاز می‌شود و از طریق بررسی تطبیقی آنها، حوزه‌های اشتراکی شناسایی می‌گردد؛ برای نمونه، با مطالعه نظام‌های حقوق مؤلف و حق اختراع، می‌توان به هم‌پوشانی این دو در زمینه نرم‌افزارهای رایانه‌ای پی برد. در مقابل، رویکرد دوم از خود موضوعات حمایتی آغاز می‌کند و با توجه به ویژگی‌های ذاتی هر

دست‌آورد فکری، مناسب‌ترین قالب‌های حمایتی را برای آن پیشنهاد می‌دهد؛ همچون مطالعه ساختار هوش مصنوعی و سپس تعیین نظام حقوقی متناسب با آن. با عنایت به اینکه هم‌پوشانی در مالکیت فکری مستلزم دو رکن اساسی، وحدت موضوع و تعدد نظام‌ها، است و این دو در واقع دو وجه مکمل یکدیگر هستند، هر دو رویکرد در نهایت به نتایج همسویی منجر خواهد شد.

۳. ویژگی‌های هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

برای درک بهتر هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری، باید ویژگی‌های آن را شناسایی کرد. مهم‌ترین ویژگی‌ها از این قرار است:

۱.۳. بالقوه بودن. از دیدگاه نظری در هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری، دست‌آورد فکری واحدی ماهیتاً منطبق بر موضوعات مورد حمایت در دو نظام حمایتی است؛ هرچند که شرایط حمایت متفاوت باشد. اما در عمل لزوماً در دو نظام حمایتی قرار نمی‌گیرند، چراکه ممکن است قانون، حمایت مضاعف را منع کرده باشد و صاحب حق ملزم به گزینش یک نظام حمایتی باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر یک نظام را برگزید، حمایت‌های نظام دیگر را از دست بدهد. همچنین، گاهی شرایط حمایت دو نظام نقیض هم هستند، اما از موضوعات یکسانی حمایت می‌کنند. نمونه‌ای از این امر را در نظام حق اختراع و اسرار تجاری شاهد هستیم. یک مال صنعتی می‌تواند در مرجع ثبت افشا شود و در نظام حق اختراع قرار بگیرد یا افشای عمومی نشود و در نظام اسرار تجاری قرار بگیرد. اما اینکه نمی‌تواند منطقاً هم‌زمان در هر دو نظام حمایتی موجود باشد، به معنای عدم هم‌پوشانی نیست. بسیاری از اسرار تجاری پس از مدتی بدون تغییر ماهیت در قالب اختراع به ثبت می‌رسند.^{۲۷} در نتیجه، هم‌پوشانی، یک وضعیت بالقوه است برای قرار گرفتن دست‌آورد فکری واحد در نظام‌های حمایتی متعدد، به‌گونه‌ای که خالق آن دست‌آورد فکری بتواند از لااقل یکی از آنها بهره‌مند شود. اما اینکه در چه شرایطی حمایت‌های هر دو نظام می‌تواند توأمان اجرا بشود، بحث دیگری است.

۲.۳. استثنایی بودن. تقسیم‌بندی نظام مالکیت فکری به شاخه‌های مجزایی مانند حقوق مؤلف، اختراعات، علائم تجاری و سایر شاخه‌ها، مبتنی بر اصل بنیادین تفکیک حوزه‌های

۲۷. محمود باقری و مریم گودرزی، «مقایسه‌ی نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، حقوق، ش ۱ (۱۳۸۸)، ص ۴۱.

حمایتی و «استقلال حمایت‌ها» است. به‌طور معمول باید یک حق مالکیت فکری جدید ایجاد شود تا بر شرایطی که از شمول نظام‌های قبلی خارج هستند، حاکم گردد. با این حال، قانون‌گذار همیشه از این قاعده پیروی نکرده و در عوض حمایت حداکثری از آفرینش‌ها را ترجیح داده است.^{۲۸} از این منظر، اصل اولیه، عدم هم‌پوشانی میان این نظام‌ها است، چراکه هریک به‌دنبال حمایت از اهداف و ارزش‌های متمایزی هستند. همچنین، باید توجه داشت که کلیت نظام مالکیت فکری که یک دسته حقوق انحصاری اعطا می‌کند، خلاف قاعده آزادی رقابت است و استثنا تلقی می‌شود. از این رو، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری که می‌تواند به حمایت‌های متعدد بینجامد، به طریق اولی باید استثنا باشد.

۳.۳. قانونی بودن. قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری در مواجهه با پدیده هم‌پوشانی، مشتمل بر دو دسته حکم هستند: نخست، احکامی که صراحتاً یا ضمناً امکان وقوع هم‌پوشانی را پیش‌بینی کرده‌اند و دوم، احکام معدودی که برای این وضعیت راهکارهای عملی ارائه داده‌اند. کل نظام مالکیت فکری یک نظام اعتباری است و از سوی قانون‌گذار جعل شده است. هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری نیز متأثر از نحوه قانون‌گذاری است. مقررات حقوق مالکیت فکری به‌گونه‌ای نگاشته شده‌اند که موجب تداخل قلمرو نظام‌های حمایتی می‌شوند. در واقع، دستاوردهای فکری به لحاظ تعلق به دسته‌های قانونی مجزا امکان هم‌پوشانی دارند، و گرنه اکثر مصادیق دستاوردهای فکری از حیث تراوش از ذهن بشر و وابستگی به خلاقیت آدمی یکسان هستند.

۴.۳. سرزمینی بودن. از آنجا که نظام‌های مالکیت فکری متأثر از سیاست‌گذاری‌های ملی هستند و هر کشور بر اساس مصالح خویش اقدام به قانون‌گذاری می‌نماید، شاهد تفاوت‌هایی در سطح حمایت‌های حقوقی بین کشورها هستیم. این امر موجب می‌شود برخی دستاوردهای فکری در برخی کشورها تحت حمایت نظام‌های چندگانه قرار گیرد، حال آنکه در سایر کشورها ممکن است فاقد چنین حمایت‌هایی باشند. در نتیجه، مصادیق هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود و قابلیت حمایت چندگانه یک دستاورد فکری در یک کشور، لزوماً به معنای بهره‌مندی از همان قابلیت حمایت در سایر کشورها

28. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 20.



نیست. از سوی دیگر، بنابر اصل سرزمینی بودن، ممکن است دستاورد فکری واحدی در دو کشور مختلف واجد شرایط حمایت چندگانه باشد، اما به دلیل عدم رعایت الزامات قانونی خاص آن حوزه قضایی (مانند فرایند ثبت)، تنها در یکی از آن کشورها مورد حمایت قرار گیرد. برای مثال، ممکن است دو کشور از طرح صنعتی در دو قالب حقوق مؤلف و نظام طرح‌های صنعتی حمایت کنند و صاحب حق صرفاً در یکی از آن کشورها، از هر دو نظام حمایتی بهره‌مند شود.

۵.۳. پراکندگی نگرش‌ها. هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری از مسائل چالشی دوران معاصر است که پاسخ واحدی برای آن - نه در سطح جهانی و نه در سطح داخلی - در یک کشور ارائه نشده است. این تفاوت نگرش‌ها در جهان از مبانی فلسفی گوناگون در شکل‌گیری حقوق مالکیت فکری نشئت می‌گیرد. در برخی کشورها از مالکیت فکری به علت مبانی فردمحور، مانند نظریه کار و شخصیت حمایت می‌شود و کشورهای دیگر از آن با مبانی جمع‌محور، مانند نظریه رفاه اجتماعی، حمایت به عمل می‌آورند. بنابراین، کشورهای فردگرا در پاسخگویی به پرسش چیستی و راهکارهای هم‌پوشانی، حساسیت زیادی نشان نمی‌دهند، درحالی که کشورهای جمع‌گرا ممکن است آن را تهدیدی برای آزادی رقابت بدانند.^{۲۹} نمونه‌ای از این امر را در بخش مقدمه دیدیم که فرانسه تمایل به وحدت هنر دارد، اما انگلستان جدایی نظام‌های حمایتی را ترجیح داده است. پراکندگی نگرش در سطح داخلی نیز ناشی از تعدد حالات و مصادیق هم‌پوشانی است، چراکه هر حالتی از هم‌پوشانی به اقتضای ویژگی‌های خود مستلزم پاسخ متفاوتی است و نمی‌توان برای تمام مصادیق و حالات هم‌پوشانی پاسخ واحدی ارائه کرد.

۴. تمییز هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری از مفاهیم مشابه

تمییز یک مفهوم از سایر مفاهیم زمانی موضوعیت دارد که تشابهی میان آنها مشاهده شود. بنابراین، در این بند، به بیان تفاوت هم‌پوشانی از مفاهیم مشابه می‌پردازیم.

۱.۴. هم‌زیستی حقوق مالکیت فکری.^{۳۰} هم‌زیستی حقوق مالکیت فکری به معنای تجمع حقوق فکری متعدد بر مال فیزیکی (مادی) واحد است. بنابراین، شباهت آن با هم‌پوشانی در این است که حقوق متعددی نسبت به مال واحدی تجمع پیدا می‌کند. اما این مال واحد در

29. Robert Tomkowicz, *Overlaps of Intellectual Property Rights*, University of Ottawa, 2011.

30. Coexistence of Intellectual Property Rights

همپوشانی، برخلاف همزیستی، مالی غیرمادی است. چالش‌های همزیستی کمتر از همپوشانی است، چراکه اصولاً هر حق فکری بدون مزاحمت دیگری اعمال می‌شود و تأثیر زیادی برهم ندارند. اکثر کالاهایی که در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند، در این وضعیت هستند. برای مثال، یک اتومبیل دربردارنده جلوه‌های مختلفی از مالکیت فکری است بی‌آنکه لزوماً همپوشانی داشته باشند. موتور خودرو تحت حمایت حق اختراع است، اما زیبایی ظاهری آن تحت حمایت طرح صنعتی، و علامت تجاری آن نیز از جهت متمایز بودن از علائم کالاهای مشابه، مورد حمایت نظام علائم تجاری است.^{۳۱}

با این حال، مواردی مشاهده شده است که همزیستی حقوق مالکیت فکری مانند همپوشانی حقوق مالکیت فکری، چالش برانگیز بوده و موجب انحصار مضاعف شده است.

مثال نخست، دارنده حق اختراع دارویی با استفاده از تبلیغات فراوان موجب شده است تا مصرف‌کننده، آن دارو را با علامت تجاری که مورد تبلیغ قرار می‌گیرد بشناسد نه با نام و عنوان دارو. در نتیجه، پس از ورود حق اختراع دارو به قلمرو عمومی، مصرف‌کنندگان همچنان به خرید دارو از همان شرکتی که صاحب حق اختراع دارو بوده است، تمایل دارند، نه شرکت‌های دیگر که زین پس امکان تولید آزاد دارو را خواهند داشت. این پدیده نشان می‌دهد چگونه ترکیب حمایت‌های مختلف مالکیت فکری می‌تواند اثر انحصاری یکی از آنها را فراتر از مدت قانونی آن تداوم بخشد.

مثال دوم، در پرونده *Kirtsaeng v. John Wiley & Sons*، کتاب‌هایی در تایلند تولید و به امریکا صادر شده بود. خواهان مدعی بود که حق انحصاری واردات کتاب با او بوده و عمل خوانده مصداق واردات موازی نیست. دادگاه بر این باور بود که بند «الف» ماده ۱۰۹ قانون کپی‌رایت ایالات متحده، شامل محصولاتی که به‌طور قانونی خارج از امریکا تولید شده‌اند نیز می‌شود و لذا حق انحصاری واردات، مشمول «زوال حق» شده و واردات آنها آزاد است. بعد از این پرونده، جریان فکری میان صاحبان حقوق مالکیت فکری شکل گرفت، مبنی بر اینکه

۳۱. برخی نویسندگان این مورد را نیز یکی از حالات همپوشانی دانسته و از اصطلاح همپوشانی حقیقی (Overlap in Fact) در مقابل همپوشانی حقوقی (Overlap in Law) استفاده کرده‌اند.

Robert Tomkowicz, *Ibid*, p. 5

براساس قواعد واردات موازی در حقوق علائم تجاری، موانعی بر سر راه واردات موازی ایجاد کرده، انحصار خود را حفظ کنند^{۳۲}. با این توضیح که، یکی از شرایط اساسی زوال حق در علائم تجاری، اصالت کالا است. بنابراین، اگر کالایی که تحت مجوز علامت تجاری دیگران تولید شده است، از نظر کیفیت تفاوت فاحشی با کالاهای تولیدی از سوی دارنده اصلی علامت تجاری داشته باشد؛ گویی کالا اصالت خود را ازدست داده است. در نتیجه، صاحب حق می‌تواند به استناد همین مسئله، از توزیع آن کالا در بازار جلوگیری کند^{۳۳}. به‌طور مشابه، در این پرونده نیز اگر تفاوتی بین کیفیت کتاب‌های تولیدی تایلندی و آمریکایی وجود داشت (مانند تفاوت در صفحه‌آرایی، جلد و...)، خواهان این امکان را می‌یافت که نه مطابق قواعد کپی‌رایت، بلکه براساس قواعد علامت تجاری مدعی شود کتاب‌های دربردارنده این علامت، مشمول زوال حق نمی‌شوند و وی نسبت به آن‌ها حق انحصاری واردات دارد. بنابراین، بدون آنکه کپی‌رایت و علامت تجاری هم‌پوشانی داشته باشند، احکام یکی از آن‌ها بر دامنه انحصار دیگری تأثیر گذاشته است.

این مثال‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که «اصل استقلال حمایت‌ها همواره در عمل رعایت نمی‌شود زیرا که دستاوردهای فکری به هم وابسته‌اند»^{۳۴}.

۲.۴. مشابهت اموال فکری. مقصود از این وضعیت، مشابهت ظاهری دو دستاورد فکری است^{۳۵}. این شباهت ممکن است ناشی از کپی‌برداری^{۳۶} دستاورد فکری دوم (مؤخر) از دستاورد

32. Jane Ginsburg, Irene Calboli, "Overlapping Copyright and Trademark Protection in the United States: More Protection and More Fair Use?", Cambridge University Press, Cambridge University Press, (2016), p. 444.

۳۳. سعید حبیبی و محبت مظفری، «دکترین استیفای حق در حوزه علائم تجاری با نگاهی بر حقوق مصرف‌کننده»، *مطالعات حقوقی خصوصی*، ش ۴ (۱۳۹۶)، ص ۶۴۴.

34. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 128.

۳۵. شایان ذکر است، با توجه به توضیحاتی که در بحث ارکان دادیم، شباهت ظاهری دو دستاورد فکری بعضاً موجب می‌شود که آن‌ها را دستاورد واحدی تلقی کنیم. در این بند مقصود ما از دو دستاورد فکری، مفهوم عرفی آنهاست. با توجه به اینکه دو شخص متفاوت این دستاوردها را خلق کرده‌اند، عرف آن‌ها را دو دستاورد جدا تلقی می‌کند؛ درحالی که برخی از آن‌ها (مانند اختراعات مشابه که اصولاً فقط اختراع ثبت‌شده اول مورد حمایت حقوق هستند) دستاورد واحد تلقی می‌شوند. پس ذکر عبارت «دو دستاورد» در این بند، با تسامح است. در واقع، اینها نسخه‌های مشابه از یک دستاورد فکری هستند.

36. Copying

فکری اول (مقدم) یا خلق مستقل^{۳۷} دستاورد فکری دوم باشد که تصادفاً مشابه دستاورد فکری اول شده است. این دو دستاورد فکری، همواره با هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری همراه نیستند. اگر دو دستاورد فکری در یک نظام حمایتی باشند، صرفاً با مشابهت اموال فکری مواجه هستیم. اما اگر دو دستاورد فکری مشابه در دو نظام حمایتی متعدد قرار بگیرند، علاوه بر مشابهت اموال فکری، با هم‌پوشانی مالکیت فکری نیز روبه‌رو خواهیم بود. از این رو، دو اثر ادبی و هنری مشابه، دو اختراع مشابه و یا دو علامت تجاری مشابه، به معنای مشابهت اموال فکری است. در خصوص اینکه هر دو دستاورد فکری حمایت می‌شوند یا خیر، در هر نظام حمایتی مبانی متفاوتی موجود است. به‌طور کلی می‌توان گفت، در حقوق مؤلف اصالت شرط است و صرف مشابهت داشتن دو اثر دلیلی بر عدم حمایت نیست؛ مگر اینکه اثر دوم، کپی‌برداری از اثر اول باشد و از این حیث فاقد شرط اصالت باشد. لذا، اگر شخصی با خلق مستقل (بدون کپی‌برداری) اثری بیافریند که تصادفاً مشابه آثار پیشین بشود، مورد حمایت خواهد بود. برعکس، در حق اختراع و طرح صنعتی، علاوه بر تلاش فکری و خلق دستاورد نو (نه صرفاً اصیل)، ثبت زودتر از دیگران نیز شرط است. همچنین، صرف مشابهت داشتن مانع از حمایت است. شباهت اختراع و طرح دوم با اختراعات و طرح‌های پیشین به معنای عدم نوآوری است و کپی‌برداری یا خلق مستقل در این راستا اهمیتی ندارد. بنابراین، اختراع و طرح دوم که مشابه اختراعات و طرح‌های پیشین است، اصولاً مورد حمایت نیست؛ مگر در برخی موارد استثنایی مانند وضعیت استفاده‌کننده مقدم از اختراع و طرح. در علامت تجاری نیز نظام اولین ثبت یا اولین استفاده یا تلفیقی از آنها که به سیستم ثبت نسبی یا استفاده نسبی معروف است، حاکم است.^{۳۸}

بنابراین، در بررسی مشابهت اموال فکری، از آنجا که با یک نظام حمایتی واحد روبه‌رو هستیم و معیارهای حمایت در این نظام (مانند شرط اصالت، اولین خلق، اولین ثبت یا اولین استفاده) به‌وضوح تعیین شده‌اند، شناسایی دارنده حق، امری نسبتاً ساده به‌نظر می‌رسد. اما در مقابل، در حوزه هم‌پوشانی مالکیت فکری، وضعیت به‌مراتب پیچیده‌تر است؛ چراکه ممکن است چندین دارنده حق به‌موازات یکدیگر و بر اساس معیارهای نظام‌های حمایتی متفاوت، به شکل مشروع و

37. Independently Creation

۳۸. نسرین طباطبایی حصار، «رویکردهای حقوقی به منشأ پیدایش حق علامت تجاری و اثر آن بر نوع سیستم ثبت علامت تجاری»، تحقیق و توسعه، ش ۱ (۱۴۰۳)، ص ۳۷۱.



قانونی صاحب حقوق انحصاری شده باشند. این چندگانگی، به‌ویژه در موارد تعارض حقوق، مسئله ارجحیت یکی از این حقوق بر دیگری را به چالشی اساسی تبدیل می‌کند.

۳.۴. دوگانگی حقوق فکری مشابه با کارکرد متفاوت. گاهی حقوق مالکیت فکری دو

شخص به علت تشابه ظاهری نسخه مادی آنها و در دو نظام حمایتی مجزا با هم در تعارض قرار می‌گیرند، اما این تعارض حقوق همواره نتیجه هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری نیست؛ چراکه در اکثر مواقع با دستاورد واحدی روبه‌رو نیستیم، مانند تعارض حق علامت تجاری ثبت‌شده با نام تجاری ثبت‌نشده مشابه هم. محدوده حمایتی علامت تجاری، تمایز کالاها و خدمات است، اما محدوده حمایتی نام تجاری، تمایز اشخاص حقیقی و حقوقی است. بنابراین، تشابه در دو دستاورد متفاوت (علامت و نام) مشاهده می‌شود که اگرچه چالش‌های آن باید به‌طور منطقی حل و فصل شود، اما به معنای هم‌پوشانی علامت تجاری و نام تجاری در دستاورد فکری واحد نیست. در هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری، نه‌تنها باید نظام‌های حمایتی متعدد داشته باشیم، بلکه کارکرد این نظام‌ها باید در موارد استثنایی یکسان باشد تا با دستاوردهای فکری واحد مواجه شویم.

۴.۴. حقوق مشترک. ممکن است دستاورد فکری واحدی با مشارکت و همکاری چند نفر

خلق یا ثبت شود؛ در این صورت، حقوق مشترک و متجانسی به همه آنها تعلق می‌گیرد، مانند دو حق تکثیر نسبت به یک کتاب. در این حالت به سبب فقدان نظام حمایتی متعدد، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری رخ نمی‌دهد.

۵.۴. حقوق وابسته. گاهی برای خلق یک دستاورد فکری، باید از دستاوردهای فکری دیگر

یا اموال مادی دربردارنده دستاورد فکری، بهره جست. نمونه بارز آن را می‌توان در آثار مرکب، آثار اجراشده و اختراعات وابسته دید. در این گونه موارد، اگرچه حقوق فکری متعددی در دستاورد فکری نهایی تجمع یافته‌اند، اما به معنای هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری نیست. از نمونه‌های کمتر شناخته‌شده می‌توان به این مورد اشاره کرد:

برای ثبت اختراع، باید توصیف و نقشه‌هایی تهیه شود. اگر این توصیف‌ها و نقشه‌ها خلاقانه باشند، نظام حقوق مؤلف از آنها حمایت می‌کند. در پرونده *Baker v. Selden*، خواهان کتابی راجع به نگهداری کتاب‌ها نوشته بود بدون آنکه این روش را به‌عنوان اختراع ثبت کند. سپس

علیه کسی که از این روش استفاده کرده بود، طرح دعوا کرد. دادگاه اذعان داشت که صرفاً حق نسخه‌برداری نسبت به کتاب دارد، نه حق اختراع نسبت به محتوای آن!^{۳۹}.

۵. چرایی وقوع هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

چرایی وقوع هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری را می‌توان در دو دسته دلایل غیرحقوقی و حقوقی جست‌وجو کرد. این دو دسته، برهم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. با این توضیح که دلایل غیرحقوقی بیشتر در پیشرفت فناوری‌های نوین و ظهور دستاورهای فکری جدید^{۴۰} که ماهیتی دوگانه دارند و همچنین اشتیاق صاحبان حق، به‌ویژه غول‌های اقتصادی، برای توسل به چند نظام حمایتی و افزایش انحصار در بازار، خلاصه می‌شود. این بازیگران با اعمال قدرت و نفوذ در نهادهای قانون‌گذاری، قوانین حمایتی به نفع خود وضع کرده‌اند. قطعاً با توجه به اعتباری بودن نظام مالکیت فکری، تا زمانی که قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی (و تفسیر قضایی در کشورهای پیرو نظام کامن‌لا) با وضع قانون (و رویه قضایی) در این حوزه مداخله نکنند، دلایل غیرحقوقی تاب تأثیرگذاری مستقیم بر ایجاد هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری را ندارد. بنابراین، به تشریح دلایل حقوقی می‌پردازیم:

۱.۵. **ابهام در قلمرو حمایتی نظام‌های سنتی.** محدوده و گستره حمایت برخی نظام‌های حمایتی سنتی به‌روشنی مشخص نیست. برای مثال، بند ۶ ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، استفاده از اثر در کارهای صنعتی را از حقوق انحصاری پدیدآورنده برشمرده است. این رویکرد باعث می‌شود تا قلمرو حمایتی حقوق مؤلف با حقوق مالکیت صنعتی تداخل پیدا کند.

۲.۵. **تأثیر عوامل قانونی بر توسعه مرزهای نظام‌های سنتی.** توسعه قلمرو نظام‌های حمایتی سنتی عمدتاً تحت تأثیر دو عامل قانونی صورت پذیرفته است: نخست، «افزایش دامنه

۳۹. نویسندگانی که از هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری معنای موسمی را برداشت می‌کنند، این پرونده را یکی از موارد اولیه هم‌پوشانی می‌دانند. همچنین در این پرونده‌ها نیز دقیقاً همین مسئله با همین رأی تکرار شده است:

Taylor Instrument cos. v. Fawly-Brost co
Rucker Co. v. Gavel's Vulcanizing Ltd

پیش‌تر نیز دیدیم که قانون انگلستان دارنده اثر هنری محض را دارای حق انحصاری برای خلق طرح صنعتی سه‌بعدی از روی آن اثر نمی‌داند.

40. Baris Antonios, *Ibid*, p. 6.



موضوعات قابل حمایت»^{۴۱} و دوم، «کاهش شرایط و الزامات حمایتی»^{۴۲}. برای مثال، حقوق مؤلف از ابتدای پیدایش صرفاً از کتاب‌ها حمایت می‌کرد، اما به تدریج به سایر آثار ادبی، آثار هنری و نهایتاً نرم‌افزارها تسری پیدا کرد. به طور مشابه، نظام اختراعات نیز ابتدا در مقابل حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مقاومت می‌کرد، اما به تدریج آن را پذیرفت. بنابراین، این روند توسعه موجب شده است که امروزه شاهد حمایت هر دو نظام حقوق مؤلف و حق اختراع از نرم‌افزارهای رایانه‌ای باشیم. همچنین، عملکرد فنی به عنوان یک شرط حمایتی در گذشته مانعی برای حمایت از طرح صنعتی بود، اما این مانع امروزه در برخی کشورها و در برخی دستاوردهای فکری برداشته شده و از این جهت نظام طرح صنعتی به نظام اختراعات نزدیک شده است. این هم‌گرایی نظام‌های حمایتی، مرزهای سنتی میان آنها را هرچه بیشتر کمرنگ کرده است. بنابراین، با گسترش دامنه هر بخش، مرزهای آنها شروع به هم‌پوشانی کرده است.^{۴۳}

۳.۵. شکل‌گیری نظام‌های نوین مشابه با نظام‌های سنتی. پیشرفت‌های فناورانه و ضرورت حمایت از دستاوردهای نوین به شکل‌گیری نظام‌های حمایتی جدیدی انجامیده است که از جهات بسیاری مشابه نظام‌های سنتی‌اند. برای نمونه، «مدل‌های مصرفی» به عنوان یکی از این نظام‌های نوپدید، وجوه تشابه بسیاری با نظام اختراعات دارد. این شباهت‌ها عمدتاً ناشی از ماهیت و کارکرد مشترک این نظام‌ها در حمایت از ابداعات و نوآوری‌ها است.

۴.۵. تجاری شدن حقوق مالکیت فکری. موافقت‌نامه تریپس با قرار دادن نظام‌های حمایتی حقوق مالکیت فکری در چارچوبی تجاری، تحولی بنیادین در این حوزه ایجاد کرد. بر اساس این موافقت‌نامه، بسیاری از دستاوردهای صنعتی مانند نرم‌افزارها و طرح‌های صنعتی امکان حمایت تحت نظام حقوق مؤلف را یافتند (مواد ۱۰ و ۲۵). از سوی دیگر، دستاوردهای ادبی که پیش‌تر در قلمرو مالکیت صنعتی قرار نمی‌گرفت (مثلاً موسیقی) نیز قابلیت ثبت در این نظام را به عنوان علائم تجاری نامتعارف پیدا کردند (ماده ۱۵). لازم به ذکر است که نظام حقوق مؤلف در مقایسه با سایر نظام‌های مالکیت فکری، بیشترین تحولات را از زمان تصویب این

41. Subject Matter Expansion

42. Lowering of Protection Thresholds.

Estelle Derclaye, Matthias Leistner, *Ibid*, p. 1.

43. Robert Tomkowicz, *Ibid*, p. 6.

موافقت‌نامه پیدا کرده است و روندی فزاینده به سمت صنعتی شدن دارد. در دهه‌های اخیر حقوق مؤلف به خارج از چارچوب سنتی خود نیز گسترش یافته و در بسیاری از کشورها از این شاخه حقوق جهت حمایت از مالکیت فکری در محصولاتی که جنبه صنعتی یا فنی یا تکنولوژی دارند، استفاده می‌شود.^{۴۴} از این رو، امروزه از اصطلاح «حقوق مؤلف صنعتی»^{۴۵} یاد می‌کنند که مقصود از آن، حمایت حقوق مؤلف از دستاوردهای فکری صنعتی است. تریپس با محوریت بخشیدن به جنبه‌های تجاری مالکیت فکری، عملاً حقوق مؤلف را از حیطه صرفاً فرهنگی - هنری به عرصه تجاری سوق داده است. این تحول نه تنها موجب افزایش هم‌پوشانی بین نظام‌های حمایتی گردید، بلکه چارچوب‌های حمایتی را شدیدتر به سمت استانداردهای تجاری، از جمله ضمانت‌های اجرا، سوق داد.

۶. پیامدهای هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

پیامدهای حقوق مالکیت فکری را می‌توان در پیامدهای منفی و مثبت بررسی کرد:

۱.۶. پیامدهای منفی. اکثر مصادیق هم‌پوشانی دربردارنده دو چالش عمده هستند که عبارت‌اند از: انحصار حداکثری و تعارض احکام.^{۴۶}

۱.۱.۶. انحصار حداکثری. اعطای دو دسته حقوق انحصاری و قرار گرفتن یک دستاورد فکری در دو نظام حمایتی، موجب تقلیل قلمرو عمومی و کاهش دسترسی آزاد و رایگان جامعه به دستاوردهای فکری می‌شود؛ به‌ویژه اینکه مدت حمایت در نظام‌های حمایتی منطبق برهم نیست و برخی از نظام‌ها دوره حمایتی بیشتری نسبت به سایر نظام‌های حمایتی دارند و برای مدت زمان طولانی دستاورد فکری را در حمایت خود و انحصار صاحب آن قرار می‌دهند. هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری می‌تواند به شکل نامتعارفی موجب تمدید دوره انحصار شده، ورود دستاورد فکری به قلمرو عمومی را به تأخیر بیندازد. هر حقی که در حقوق مالکیت فکری ایجاد شده است، نتیجه جست‌وجوی توازن حمایت از منافع خاص و عام (دارنده‌ی حق و جامعه)

۴۵. مریم آموزگار، آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در خصوص حق مؤلف، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

45. Industrial Copyright

46. Estelle Derclaye, Matthias Leistner, *Ibid*, p. 3.

و تنظیم رقابت آزاد است. اما از نظر برخی^{۴۷}، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری انسجام این توازن را تهدید می‌کند. درحالی که برخی بر این باورند که هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری به‌خودی خود موجب به‌هم خوردن این تعادل نمی‌شود، بلکه صرفاً قابلیت این چالش را ایجاد می‌کند^{۴۸}.

۲.۱.۶. تعارض احکام. در تحلیل تفاوت احکام نظام‌های حمایتی مالکیت فکری، هنگامی که احکام دو نظام قابل جمع و مکمل یکدیگر باشند، چالش عمده‌ای ایجاد نمی‌شود. مشکل اصلی زمانی ظهور می‌یابد که احکام این نظام‌ها در تقابل مستقیم با یکدیگر قرار گیرند و نقیض هم عمل نمایند. این تعارض به‌ویژه در حوزه شرایط نقض حقوق انحصاری و تعیین ضمانت‌های اجرای مربوطه نمود بیشتری دارد؛ چراکه معیارهای نقض و شیوه‌های جبران خسارت و مجازات‌ها در نظام‌های مختلف ممکن است به‌کلی متفاوت و حتی ناسازگار با هم باشند. در چنین مواردی، تعیین حکم غالب و نظام حاکم بر موضوع، به چالشی حقوقی تبدیل می‌شود که نیازمند تحلیل دقیق است.

این دو چالش، در یک امر با هم عجین می‌شوند؛ در فرضی که انجام عمل مشخصی از سوی ثالث، طبق یک نظام حمایتی، بهره‌برداری آزاد و مجاز باشد، اما مطابق با نظام حمایتی دیگر، مصداقی از نقض حق دانسته شود. در این گونه موارد، نه‌تنها با تعارض احکام بلکه با انحصار حداکثری مواجه هستیم که پیچیده‌ترین چالش هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری است؛ به‌خصوص اینکه رویه قضایی کشورهای متمدن در این حوزه، عمدتاً به نفع صاحب حق و انحصار او عمل کرده‌اند. در واقع، سیستم قضایی با اولویت دادن مداوم به منافع صاحبان حقوق، عملاً به تضعیف استثنای حمایتی کمک کرده که این خود نشانگر سیاست‌گذاری ناعادلانه در تعادل‌بخشی به منافع خاص و عام است.

البته این دو چالش در هریک از حالات و مصادیق هم‌پوشانی مالکیت فکری به یک اندازه بروز و ظهور ندارند و از حالتی به حالت دیگر، شدت و ضعف از خود نشان می‌دهند.

47. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 34.

Joy Reagan, "The Tragedy of the Creative Commons: An Analysis of How The Tragedy of the Creative Commons: An Analysis of How Overlapping Intellectual Property Rights Undermine the Use of Permissive Licensing Overlapping Intellectual Property Rights Undermine the Use of Permissive Licensin" *Case Western Reserve Law Review*, No.72 (2022), p. 982.

48. Nuno de Araújo Sousa e Silva, *Ibid*, p. 67.

۲.۶. پیامدهای مثبت. انحصار حداکثری را می‌توان از دو منظر متفاوت ارزیابی کرد؛ از دیدگاه عمومی، به‌عنوان پیامدی منفی و از نگاه صاحب حق، به‌عنوان مزیتی ارزشمند. این دوگانگی نشان می‌دهد که مثبت یا منفی بودن بعضی پیامدها کاملاً به این بستگی دارد که از منظر چه کسی به موضوع بنگریم. با این حال، فارغ از این بحث، می‌توان دو پیامد مثبت برای صاحبان حق برشمرد که در عین حال به منافع جامعه نیز لطمه‌ای نمی‌زند:

۱.۲.۶. اعطای انگیزه به پدیدآورندگان و سرمایه‌گذاران. بر اساس دیدگاه سنتی، گواهی اختراع به‌مثابه قراردادی اجتماعی میان دولت و مخترع تلقی می‌شود که در ازای افشای دانش فنی و خلق ارزش برای جامعه، حقوق انحصاری موقتی را به مخترع اعطا می‌کند. از آنجا که پدیدآورنده به‌تنهایی قادر به بهره‌برداری اقتصادی از این حقوق نیست، انتقال آن به سرمایه‌گذاران از طریق قراردادهای واگذاری، موجبات حمایت از فعالان اقتصادی را فراهم می‌آورد. این منطق حمایتی که ریشه در فلسفه حقوق اختراعات دارد، قابل تعمیم به سایر شاخه‌های مالکیت فکری است؛ از این رو، تعدد نظام‌های حمایتی برای یک دستاورد واحد، ضمن افزایش انگیزه خلق و سرمایه‌گذاری، در نهایت به ارتقای منافع عمومی می‌انجامد.^{۴۹}

۲.۲.۶. حمایت مکمل. ازجمله مزایای هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری که هم به نفع صاحب حق است و هم آسیبی به جامعه و بهره‌برداران وارد نمی‌کند، امکان جبران حمایت از طریق نظام‌های مکمل است. برای نمونه، در مواردی که آفریننده دستاورد فکری به دلایل عمدتاً شکلی، مانند افشای زود هنگام یا عدم رعایت مهلت‌های ارفاقی در نظام مالکیت صنعتی، حمایت‌های یک نظام را از ابتدا از دست می‌دهد، می‌تواند به نظام حمایتی دیگری متوسل شود. همچنین، هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری به‌خودی خود امری مضر محسوب نمی‌شود، چراکه صرفاً گزینه‌های انتخابی پیش روی صاحب حق را افزایش می‌دهد. همان‌گونه که هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری یک وضعیت بالقوه است، چالش‌های آن نیز بالقوه است و در صورت حمایت مضاعف، این چالش‌ها فعلیت می‌یابند. بنابراین، می‌توان با پذیرش حمایت مکمل به‌جای حمایت مضاعف، از چالش‌های هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری جلوگیری کرد.

49. Andrew Beckerman-Rodau, "The Problem with Intellectual Property Rights: Subject Matter Expansion", *Yale Journal of Law & Technology*, No. 35 (2011), p. 37.



هم‌پوشانی زمانی مفید است که تعادل بین منافع خصوصی و عمومی حفظ شود. اگر به انحصارگرایی افراطی یا تعارض احکام منجر نشود، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد در خدمت توسعه مالکیت فکری قرار گیرد.

۷. حالات هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری

با معیارهای گوناگونی می‌توان حالات هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری را از یکدیگر تمییز داد. مهم‌ترین آنها معیار اجزای دستاورد فکری و تعداد صاحبان حق است.

۱.۷. بر مبنای اجزای دستاورد فکری (هم‌پوشانی مستقیم^{۵۰} و هم‌پوشانی غیرمستقیم^{۵۱})

هم‌پوشانی مستقیم در جایی است که به یک پدیده به‌عنوان یک دستاورد فکری واحد نگریسته می‌شود و کلیت آن می‌تواند تحت دو یا چند نظام حمایتی قرار بگیرد؛ مانند طرح‌های زینتی دوبعدی که کلیت آن روی هم‌رفته می‌تواند مورد حمایت نظام طرح صنعتی یا حقوق مؤلف باشد. اما هم‌پوشانی غیرمستقیم حالتی است که یک دستاورد فکری به چند دستاورد فکری قابل تجزیه است و هریک از این اجزا حمایت‌های جداگانه‌ای دارند. به عبارت بهتر، چند دستاورد فکری برای تشکیل یک دستاورد فکری دیگر تجمع می‌کنند^{۵۲}. این حالت، به مفهوم هم‌زیستی حقوق که پیش‌تر اشاره شد، نزدیکی زیادی دارد. اما تفاوت کلیدی آنها در این است که در هم‌زیستی حقوق، چند حق فکری بر مال غیرفکری تجمع پیدا می‌کنند؛ درحالی که در هم‌پوشانی غیرمستقیم، چند حق فکری بر یک دستاورد فکری که در قانون به‌عنوان دستاورد فکری یاد شده است، تجمع پیدا می‌کنند. در هر حال، اجزای متعدد دستاورد فکری با یکدیگر هم‌زیستی دارند. برای مثال، نرم‌افزارهای رایانه‌ای یکی از انواع دستاوردهای فکری هستند که در قوانین تمام کشورهای دنیا به‌عنوان دستاورد فکری ذکر شده‌اند. اما همین دستاورد فکری، به اجزای مختلفی قابل تجزیه است و هر جزء حمایت‌های جداگانه‌ای دریافت می‌کند؛ کُد نرم‌افزار طبق حقوق مؤلف و الگوریتم آن طبق حق اختراع حمایت می‌شود. درواقع، در هم‌پوشانی

50. Direct Overlap

51. Indirect Overlap

52. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 20.

غیرمستقیم با طبقه‌بندی توزیعی^{۵۳} مواجه هستیم. طبقه‌بندی توزیعی به این معناست که دستاورد فکری را براساس عناصر تشکیل‌دهنده آن مورد حمایت قرار دهیم و حمایت قانونی را میان اجزای تشکیل‌دهنده آن توزیع کنیم^{۵۴}.

باید توجه داشت که حقوق فکری تجمع‌یافته بر یک دستاورد فکری لزوماً در همه حالات از نوع غیرمتجانس نیست، بلکه ممکن است دستاورد فکری یادشده حاصل از تجمع حقوق فکری متجانس باشد. مصداق بارز این وضعیت را می‌توان در آثار چندرسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای مشاهده کرد که معمولاً از مجموعه‌ای از آثار مورد حمایت حقوق مؤلف تشکیل شده‌اند؛ از جمله تصاویر، آثار موسیقایی، فیلم‌نامه‌ها، بازی‌نامه‌ها و سایر عناصری که همگی در زمره آثار ادبی و هنری قرار می‌گیرند.

ازجمله آثار عملی تفکیک این دو حالت از هم‌پوشانی، این است که باتوجه به اینکه در هم‌پوشانی غیرمستقیم اجزای متعددی وجود دارد، تصور احکام متعدد برای هر جزء به‌طور جداگانه منطقی و بدون چالش نظری است؛ به همین ترتیب، وجود دارندگان متعدد نیز منطقی می‌نماید. اما پذیرش این امر در هم‌پوشانی مستقیم در نگاه اول، غیرمنطقی است.

۲.۷. بر مبنای تعداد صاحبان حق (هم‌پوشانی موضوعی^{۵۵} و هم‌پوشانی شخصی^{۵۶})

هم‌پوشانی موضوعی حالتی است که یک دارنده حق با توسل به دو نظام حمایتی، از دو دسته حقوق انحصاری بهره‌مند می‌شود^{۵۷}؛ مانند اینکه پدیدآورنده نرم‌افزار، افزون بر برخورداری از حقوق مؤلف ناشی از خلق نرم‌افزار، با ثبت نرم‌افزار در قالب اختراع، از حقوق مخترع نیز بهره‌برد. اما مقصود از هم‌پوشانی شخصی، حالتی است که دو دارنده حق با توسل به دو نظام حمایتی، از دو دسته حقوق انحصاری متفاوت با دستاورد فکری واحدی برخوردار می‌شوند^{۵۸}؛ مانند اینکه در مثال فوق، شخصی از حقوق مؤلف و شخص دیگری از حقوق مخترع در همان نرم‌افزار

53. Distributive Classification

۵۵. پژمان محمدی و محمدباقر بلخ، «بررسی حمایت از حقوق پدیدآورندگان بازی ویدیویی از طریق نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران و ایالات متحده آمریکا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۲ (۱۴۰۲)، ص ۱۷۳.

55. Objective Overlap

56. Subjective Overlap

57. Estelle Derclaye, Matthias Leistner, *Ibid*, p.4.

58. Estelle Derclaye, Matthias Leistner, *Ibid*, p. 4.

برخوردار باشد. بنابراین، هم‌پوشانی شخصی فرع بر هم‌پوشانی موضوعی است و بدون هم‌پوشانی موضوعی، امکان بروز هم‌پوشانی شخصی وجود ندارد. این دو حالت از هم‌پوشانی، از منظر موضوع تفاوتی ندارند و موضوع حمایت در هر دو حالت، دستاورد واحدی است که دربردارنده دو دسته حقوق است، اما از منظر شخص مورد حمایت متفاوت با هم هستند. علل شکل‌گیری هم‌پوشانی شخصی را می‌توان مواردی به شرح زیر برشمرد:

۱- قراردادهای استخدام و سفارش. در مواردی که شخصی در استخدام دیگری قرار دارد، یا براساس سفارش او برای خلق دستاورد فکری عمل می‌کند، دستاورد فکری حاصل شده ممکن است مشمول حقوق دو طرف شود. نمونه بارز آن، طراحان علائم تجاری هستند که با خلق یک اثر هنری (مثلاً تصویر یا نماد زیبا) برای شرکتی جهت ثبت آن در قالب علامت تجاری، عمل می‌کنند. در برخی کشورها، این طراحان، صاحب حقوق مؤلف نسبت به آن تصویر هستند؛ درحالی که حق استفاده از آن در قالب علامت تجاری متعلق به شرکت (کارفرما) است.

۲- قراردادهای واگذاری. گاهی شخص از دو یا چند نظام حمایتی بهره‌مند است و به موجب قرارداد، بخشی از حقوق خود را به دیگری منتقل می‌کند^{۵۹}؛ در این حالت، با فرض عدم وجود ممنوعیت قانونی، هم‌پوشانی بین انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده پدید می‌آید. سه حالت کلی در شکل‌گیری هم‌پوشانی شخصی از طریق قراردادهای واگذاری قابل تصور است:

الف) شخص اول، حقوق دو نظام حمایتی را برای دستاورد فکری خود کسب می‌نماید، سپس حقوق یکی از نظام‌های حمایتی را انتقال می‌دهد. برای نمونه، نرم‌افزار به‌عنوان اختراع ثبت و حقوق ناشی از آن را واگذار می‌کند؛ درحالی که حقوق ناشی از حقوق مؤلف نرم‌افزار را برای خود محفوظ می‌دارد.

ب) شخص اول به‌عنوان پدیدآورنده، از دو دسته حقوق متمایز برخوردار است: حقوق مؤلف و حق ثبت دستاورد فکری در نظام مالکیت صنعتی، که پس از خلق نرم‌افزار واجد شرایط اختراع محقق می‌شود. در این فرض، شخص اول اقدام به ثبت اختراع نمی‌کند، اما به شخص دوم اجازه می‌دهد تا نسبت به ثبت اختراع برای خود اقدام نماید.

59. Nuno de Araújo Sousa e Silva, *Ibid*, p. 55.

ج) پس از تسلیم اظهارنامه نرم‌افزار واجد شرایط اختراع از سوی شخص اول و پیش از تأیید نهایی مرجع ثبت، انتقال اظهارنامه به شخص دیگری صورت می‌پذیرد. با احراز شرایط از سوی مرجع ثبت، حقوق مالی ناشی از اختراع به نام منتقل‌الیه ثبت می‌شود، درحالی که حقوق مؤلف اثر همچنان برای شخص اول محفوظ باقی می‌ماند.

۳- خلق مستقل اجزای متفاوت دستاورد فکری. هم‌پوشانی شخصی ممکن است از طریق خلق مستقل اجزای مختلف یک دستاورد فکری محقق شود که در قالب هم‌پوشانی غیرمستقیم قرار می‌گیرد. برای مثال، زمانی که شخص «الف» مسئولیت توسعه کد نرم‌افزار و شخص «ب» عهده‌دار طراحی عملکرد آن باشد^{۶۰}، این همکاری می‌تواند به صورت مشارکتی یا کاملاً مستقل از یکدیگر انجام پذیرد.

۴- خلق مستقل اجزای یکسان دستاورد فکری. شخصی، خارج از رابطه قراردادی با دیگری، از دستاوردی استفاده می‌کند که مشابه دستاورد دیگران است. اینکه دستاورد دوم مورد حمایت قرار می‌گیرد یا خیر، بستگی به شرایط نظام حمایتی دستاورد اول (مقدم) یا دوم (مؤخر) دارد. برای مثال، شخص اول، طبق نظام حقوق مؤلف از حقوق انحصاری بر دستاوردی که خلق کرده است، بهره‌مند است. شخص دوم می‌خواهد از دستاوردی که به‌طور مستقل خلق کرده، اما مشابه اثر هنری شخص قبلی است، در قالب نظام طرح صنعتی برخوردار از حقوق شود. با توجه به اینکه یکی از شرایط بنیادین حمایت در طرح صنعتی، جدید بودن است، قابلیت حمایت برای شخص دوم اصولاً وجود ندارد؛ چراکه دستاورد فکری قبلاً از سوی شخص دیگری به‌عنوان اثری هنری افشا شده است. برعکس مثال پیش‌گفته، اگر شخص اول طبق نظام طرح صنعتی از حقوق انحصاری بر دستاورد فکری که خلق و ثبت کرده است، بهره‌مند باشد، و شخص دوم بخواهد از همان دستاورد یا مشابه آن که خودش بدون کپی‌برداری خلق کرده است در قالب نظام حقوق مؤلف بهره‌برداری کند، اصولاً حمایت امکان‌پذیر است؛ چراکه شرط حمایت در حقوق مؤلف اصالت است نه جدید بودن^{۶۱}.

ازجمله آثار عملی تفکیک این دو حالت از هم‌پوشانی عبارت‌اند از:

60. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 186.

۶۱. پرونده ایرانی که در ابتدای بخش مقدمه ذکر شد، به این نوع از هم‌پوشانی مربوط است.

الف) در هم‌پوشانی موضوعی باید موازنه‌ای میان منافع صاحب حق و بهره‌برداران در جامعه برقرار شود؛ اما در هم‌پوشانی شخصی، علاوه بر موازنه بین صاحب حق و بهره‌برداران، باید میان رقبا (سایر دارندگان حق بر همان دستاورد فکری) نیز توازن برقرار شود.

ب) در هم‌پوشانی موضوعی با توجه به اینکه صرفاً یک دارنده حق وجود دارد، چالش انحصار حداکثری مشهودتر است و در هم‌پوشانی شخصی نظر به اینکه با دو دارنده حق مواجه هستیم، چالش جمع حقوق و تعارض احکام نمایان‌تر است. تعارض بین دارندگان حق ممکن است زمانی ایجاد شود که اشخاص مختلف هر یک، حقوق نظام‌های متفاوت را در اختیار داشته باشند. تعارض در خصوص اشخاص ثالث زمانی ایجاد می‌شود که استثنای نظام‌های حمایتی مشابه هم نباشند؛ در نتیجه، انجام عمل واحدی از سوی شخص ثالث، مطابق یک نظام حمایتی مجاز و مطابق نظام حمایتی دیگر، غیرمجاز باشد.^{۶۲}

ج) در بسیاری از موارد، هم‌پوشانی شخصی ممنوع است، به‌ویژه درجایی که اعطای حق انحصاری به شخص دوم موجب لطمه به حقوق شخص اول می‌شود.

نتیجه

هم‌پوشانی حقوق مالکیت فکری وضعیتی است که به‌موجب آن، یک دستاورد فکری واحد، واجد شرایط برخورداری از حمایت در چارچوب بیش از یک نظام حمایتی مالکیت فکری می‌شود. به بیان دیگر، این وضعیت بیانگر تلاقی و تقاطع نظام‌های حمایتی متفاوت حول یک موضوع حمایتی مشترک است. تحقق این وضعیت منوط به وجود دو رکن اساسی است: واحد بودن دستاورد فکری و وجود حداقل دو نظام حمایتی متفاوت. شکل‌گیری این وضعیت مرهون عوامل حقوقی گوناگونی است که مهم‌ترین آنها عدم مرزبندی دقیق و شفاف میان قلمرو نظام‌های حمایتی است که به تداخل و درهم‌آمیختگی دامنه شمول آنها انجامیده است. عامل کلیدی دیگر، ظهور دستاوردهای فکری چندوجهی و پیچیده است که به‌طور ذاتی منطبق بر موضوعات حمایت در نظام‌های حمایتی گوناگون مالکیت فکری است. همچنین این وضعیت، پیامدهای مثبت و منفی را به دنبال دارد؛ ازجمله تبعات منفی آن، می‌توان به ایجاد انحصاری گسترده برای دارندگان

62. Sylvain Chatry, *Ibid*, p. 31.

حقوق و تعارض احتمالی میان احکام و مقررات نظام‌های حمایتی مختلف در مواجهه با یک دستاورد فکری واحد اشاره کرد. در مقابل، ازجمله آثار مثبت آن، می‌توان تقویت انگیزه پدیدآورندگان و سرمایه‌گذاران فعال در عرصه مالکیت فکری به دلیل گسترش دامنه حمایت‌ها و نیز امکان بهره‌مندی از پشتیبانی مکمل در مواردی را برشمرد که حمایت‌های یک نظام حقوقی از همان ابتدا زوال یافته یا دچار خدشه می‌شود؛ زیرا که در این فرض، هم‌پوشانی به حمایت‌های متعدد و افزایش دامنه انحصار منجر نمی‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های بنیادین هم‌پوشانی، بالقوه و استثنایی بودن آن است. این به آن معناست که هم‌پوشانی صرفاً یک قابلیت برای بهره‌مندی از حمایت‌های چندگانه ایجاد می‌کند و همواره به اعطای این حمایت‌های متعدد به صورت بالفعل نمی‌انجامد. دلیل این امر آن است که ممکن است قانون‌گذار به‌صراحت حمایت مضاعف را منع کرده، صاحب حق را به گزینش یک نظام حمایتی ملزم سازد؛ به‌گونه‌ای که با انتخاب یکی، امکان بهره‌گیری از دیگری سلب شود. افزون بر این، در مواردی، شرایط موردنیاز برای حمایت در دو نظام با یکدیگر در تعارض بوده، که این امر بهره‌گیری هم‌زمان از هر دو را ناممکن یا غیرعقلانی می‌سازد. با این حال، نفس داشتن حق انتخاب برای صاحب حق میان نظام‌های موجود، خود دلیلی بر محقق شدن وضعیت هم‌پوشانی است. در نگاهی کلان‌تر، باید توجه داشت که کلیت نظام مالکیت فکری که حقوق انحصاری اعطا می‌کند، به مثابه استثنایی بر قاعده آزادی رقابت است. بنابراین، هم‌پوشانی‌ای که درصدد امکان اعطای انحصارات چندگانه و مضاعف است، به طریق اولی، امری استثنایی تلقی می‌شود که نیازمند توجیه و تفسیری مضیق است. به این ترتیب، مقاله حاضر با تفکیک حالات مختلف هم‌پوشانی (مستقیم/ غیرمستقیم و موضوعی/ شخصی)، نشان داد که این پدیده صرفاً یک مسئله حاشیه‌ای نیست، بلکه نیازمند بازاندیشی در مبانی نظری سیاست‌گذاری مالکیت فکری است. چارچوب مفهومی ارائه‌شده در این مقاله، مبنایی برای تحلیل‌های هنجاری و ارائه راهکارهای عملی در پژوهش‌های آتی خواهد بود.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

کتاب‌ها

۱. امامی، اسدالله (۱۴۰۱). *حقوق مالکیت معنوی*. تهران: میزان.
۲. شاکری، زهرا و نورعلی، سهیلا (۱۴۰۰). *نظام حقوقی علائم تجاری نوین*. تهران: دانشگاه تهران.
۳. شیخی، مریم (۱۴۰۳). *اصول حقوق مالکیت فکری*. تهران: میزان.
۴. میرحسینی، سیدحسن (۱۳۹۱). *فرهنگ حقوق مالکیت معنوی*. تهران: میزان.

مقالات

۵. باقری، محمود و گودرزی، مریم (۱۳۸۳). مقایسه‌ی نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع. *حقوق*، ۳۹ (۱)، ۴۱ – ۶۲.
۶. جعفرزاده، میرقاسم و لجم‌اورک، حسن (۱۳۹۹). تحلیل نظری حق بر علامت تجاری: حق انحصاری مطلق یا مقدی؟. *حقوق خصوصی*، ۱۷ (۲)، ص ۳۲۷ – ۳۵۰.
Doi:10.22059/jolt.2020.300517.1006836
۷. حبیب‌ا، سعید و مظفری، محبت (۱۳۹۶). دکت‌رین استیفای حق در حوزه علائم تجاری با نگاهی بر حقوق مصرف‌کننده. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۷ (۴)، ۶۳۱ – ۶۴۶.
۸. صفایی، سیدحسین (۱۳۵۰). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ص ۳۶ – ۵۱.
۹. طباطبایی حصار، نس‌رین (۱۴۰۳). رویکردهای حقوقی به منشأ پیدایش حق علامت تجاری و اثر آن بر نوع سیستم ثبت علامت تجاری. *تحقیق و توسعه*، ۱ (۱)، ۳۴۳ – ۳۷۱.
Doi: 10.22034/jpl.2024.718559
۱۰. محمدی، پژمان و بلخ، محمدباقر (۱۴۰۲). بررسی حمایت از حقوق پدیدآورندگان بازی ویدیویی از طریق نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران و ایالات مت‌حده‌ی آمریکا. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۷ (۲)، ۱۵۱ – ۱۸۰.
Dor: 20.1001.1.22516751.1402.27.2.4.5

رساله

۱۱. ۵. آموزگار، مریم (۱۳۸۳). *آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در خصوص حق مؤلف*. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ب) انگلیسی

Books

12. Cornish, W., Llewelyn, D. & Tanya A. (2013). *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trademarks and Allied Rights*. eighth Edition. London: Sweet & Maxwell.
13. Derclaye, E. & Matthias L. (2011). *Intellectual Property Overlaps*. United Kingdom: Hart Publishing Ltd.
14. Silva, Nuno de Araújo Sousa (2013). *The Ownership Problems of Overlaps in European Intellectual Property*. Nomos.
15. Wilkof, N. & Shamnad B. (2012). *Overlapping Intellectual Property Rights*. London: Oxford University,

Articles

16. Beckerman-Rodau, A. (2011). The Problem with Intellectual Property Rights: Subject Matter Expansion. *Yale Journal of Law & Technology*, 13 (35), 36-89.
17. Ginsburg, J. & Irene C. (2016). Overlapping Copyright and Trademark Protection in the United States More Protection and More Fair Use?, The Cambridge Handbook of International and Comparative Trademark Law, *Cambridge University Press*. 436-450.
18. Reagan, Joy (2022). The Tragedy of the Creative Commons: An Analysis of How The Tragedy of the Creative Commons: An Analysis of How Overlapping Intellectual Property Rights Undermine the Use of Permissive Licensing Overlapping Intellectual Property Rights Undermine the Use of Permissive Licensing, *Case Western Reserve Law Review*, 4 (72), 977-1013.

Thesis

19. Antonios, B. (2022). *Nature and Extent of Overlapping Copyright*,

Trademark, and Industrial Design Protection. International Hellenic University.

20. Tomkowicz, Robert (2011). **Overlaps of Intellectual Property Rights**. University of Ottawa, Faculty of Law.

ج) فرانسوی

Thèse

21. Chatry, S. (2011). *Le Concours de Droits de Propriété Intellectuelle - Essai D'une Théorie Générale*, Université de Nantes.